

گفتمان هویت ملی جریان ناسیونالیسم قبل و بعد از انقلاب اسلامی (با تطبیق اندیشه احمد کسروی و عزت الله سبحانی)

محمدباقر خرمشاد*

علیرضا کلانتر مهرجردی** حسین صولتی***

چکیده

تطور تاریخ نشانگر آن است که هویت‌سازی ملی فرآیندی همیشگی بوده و نباید تصور شود که وقتی ملتی شکل گرفت بخودی خود تداوم می‌یابد بلکه برعکس روح ملت‌بودگی در معرض فراز و فرود قرار دارد. از این‌رو فرآورده گفتمانی جریان های یک کشور می‌تواند بر فرآیند ملت‌سازی موثر آفتند. هویتها، به مثابه سازه‌های اجتماعی در فرآیند سازه‌گرایی اجتماعی تفسیر می‌شوند و همواره در سایه بازتفسیرها، از روش‌های مختلف برای تبیین آن استفاده شده است؛ لذا با سوال چیستی خوانش جریان ملی گرا- به عنوان یکی از عمده جریان های معاصر ایران- از هویت ملی این مقاله با انتخاب جریان گفتمان به مثابه روشی برای شناسایی الگو در پی استخراج گفتمان هویت‌ملی جریان ناسیونالیسم در ایران معاصر است چرا که تبیین الگویی، به تحلیل درک و چیستی پدیده از مناظر گوناگون کمک بیشتری می‌نماید. جریان فکری سیاسی ناسیونالیسم و نیروهای سیاسی متصف به آن، بعنوان یک از جریان های موثر در تاریخ معاصر ایران برای پژوهش انتخاب گردید.

در این مقاله در نتیجه کاربست روش گفتمان، ضمن درک تطور هویت‌ملی در سیر تاریخی، به الگوی گفتمان هویت‌ملی در جریان پیش گفته دست خواهد یافت.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، جریان، گفتمان، هویت‌ملی، ناسیونالیسم.

*استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی^(د) mb.khorramshad@gmail.com

**دانش‌آموخته دکترای جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی^(د) (نویسنده مسئول).

kalantarmehrjardy975@yahoo.com

***کارشناسی‌ارشد اندیشه سیاسی دانشگاه پیام نور تهران. hossein.solati1361@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱

۱. مقدمه

دغدغه‌های هویتی، عمری به درازای حیات آدمی دارد. در واقع انسان تنها موجودی است که بدون درک از چیستی و کیستی خود نمی‌تواند حیات داشته باشد. با این حال همواره در سایه چالش‌ها و دگرگونی‌های فکری-اجتماعی است که این مهم، نمود می‌یابد. آنتونی اسمیت (Smith) بر این باور است که از میان تمام هویت‌های جمعی که امروزه افراد در آن سهیم‌اند هویت ملی، به عنوان عالیترین سطح هویت است (احمدی، ۱۳۸۸). بحث درباره‌ی اینکه ما که هستیم چگونه خود (مؤلفه‌های هویتی) را مورد تعریف قرار می‌دهیم یک مساله بنیادی است.

هویتها، پدیده‌های فراتاریخی، عاری از اقتصاد، ایدئولوژی و جغرافیای خاص خودشان نیستند بلکه این سازه اجتماعی با تکیه بر حافظه جمعی و با در نظر گرفتن ساختار عینی اجتماعی، تعریف و در طول زمان دوباره تفسیر می‌شوند. جوامع، حکومت‌ها و نهادها در ایجاد، حفظ و تقویت آن نقش اساسی ایفا می‌کنند (گل-محمدی، ۱۳۸۰: ۱۷). در کنار دیدگاه‌های کلاسیک، در دهه‌های پایانی قرن بیست، مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نوین به مسأله هویت ایجاد شد که دارای ساحت هستی-شناسانه، و بر نقش زبان و گفتمان در ساختن هویت تاکید می‌نمایند (مسکوب، ۱۳۷۹). گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معانی هستند که در آن نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند هویت می‌یابند و تنها از گذر مقوله‌بندی‌های گفتمانی ما درک می‌شوند (منوچهری و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۰۶-۱۰۵). از طرفی جریان‌شناسی سیاسی شاکله‌ای نظم‌بخش به داده‌های پراکنده و چارچوبی برای تحلیل هست‌های فکری از حالت کلان به خرد است که به مطالعه‌ی جامعه‌شناختی جهت تمایز حوزه‌ی اندیشگی آن جریان‌ها در بستر مناسبات سیاسی، منافع و نهادهای اجتماعی و سیاسی می‌پردازد (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۰). در همین راستا جریان-گفتمان بعنوان یک رویکرد در بازشناسی و تبیین بهتر معنای هویت در پژوهش حاضر بکار گرفته می‌شود. بعبارتی دغدغه اصلی پژوهش، واکاوی گفتمان یکی از جریان‌های فکری-سیاسی ایران معاصر یعنی ناسیونالیسم پیرامون هویت ملی برای ترسیم الگوی تلفیقی بعد و قبل انقلاب آن است؛ و لذا تحولات سیاسی اجتماعی کمتر مدنظر می‌باشد.

۲. چارچوب مفهومی

۲.۴. پیشینه خوانش هویت

برای خوانش هویت ملی، نگاهی گذرا به روشهای مورد استفاده سایر پژوهشگران می‌اندازیم: محمدپرست (۱۳۸۹) در رساله دکتری خود براساس دیدگاههای مارکس، مانهایم (Karl Mannheim)، پارسونز (Talcott Parsons)، هابرماس (Jürgen Habermas) درباره هویت بعنوان چارچوب نظری پژوهش خود سخن گفته است. حاجیانی (۱۳۷۹) در مقاله‌ای، هویت ملی را دارای هفت بُعد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، مذهبی، فرهنگی و زبانی دانسته و از فراتحلیل برای بررسی این ابعاد پرداخته است. رضادآوری (۱۳۶۹) در کتابهای «ناسیونالیسم و حاکمیت ملی» متأثر از هایدگر به مسأله زبان و هویت می‌پردازد. داریوش شایگان (۱۳۹۳) در کتاب «افسون زندگی جدید»، متأثر از فلاسفه‌ای چون گروسه (René Grousset) و کربن (Henry Corbin) به آمیختگی سنت ایرانی و اسلامی باور دارد. ابوالحسنی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای، ضمن تقسیم هویت به پنج نوع خانوادگی، قومی، ملی، دینی و فراملی، جهانی، سعی می‌نماید هویت ملی را در ابعاد تاریخی، اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی بررسی کند. هرمیداس باوند (۱۳۷۷) در «چالشهای برون‌مرزی و هویت ایرانی در طول تاریخ» بر این باور است که هویت بعنوان یک پدیده تغییرپذیر در طول تاریخ برای تحقق اهداف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه کارساز خواهد بود. فوکو (Michel Foucault) بحث هویت را در بطن و متن گفتمان‌های فرانویگرا مطالعه می‌کند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۳، ۲). نظر به پژوهشهای صورت پذیرفته پیرامون هویت ملی، پژوهش با گزینش جریان-گفتمان بعنوان یک رویکرد ترکیبی، که ضمن متفکر شناسی و تحلیل نحوه اندیشه ورزی آنان، احصای الگوی هویت ملی را از منظر یک جریان ایرانی مورد هدف قرار داده قابل توجه است.

۲.۴. هویت ملی

واژه هویت از کلمه Identitas «مشابه و یکسان» می‌آید و به تفاوت‌های اساسی که یک شخص را از همه کسان دیگر به واسطه هویت «خودش» متمایز می‌کند، اشاره دارد (فکوهی، ۱۳۸۰: ۶۳-۶۴). در سنت جامعه‌شناسی نظریه‌های هویت در ابتدا با جیمز (William James) و مید (George Herbert Mead) شروع و بعدها از طریق گافمن (Erving Goffman)، برگر (Peter Ludwig Berger) استقرار یافت. اما هویت ملی بعنوان

یکی از انواع هویت، اصلی‌ترین سنتز و حلقه‌ی ارتباطی بین هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فراملی است (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۷)؛ عبارتی هویت‌ملی فرآیند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌هایی درباره‌ی خود، زمان، تعلق، خاستگاه، حوزه‌تمدنی، جایگاه و ارزشهای ملهم از هویت‌تاریخی یک ملت است (باوند، ۱۳۷۷).

۲.۳. ناسیونالیسم

دایرة‌المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی (International Encyclopedia of the Social Science)، ناسیونالیسم را چنین تعریف کرده است: «ناسیونالیسم نوعی عقیده سیاسی است که زمینه یکپارچگی جوامع جدید و مشروعیت ادعای آن‌ها، برای داشتن اقتدار را فراهم می‌آورد. ناسیونالیسم وفاداری اکثریت مردم را متوجه یک دولت-ملت می‌نماید. خواه این دولت-ملت موجود باشد و خواه این که به صورت یک خواسته باشد (قمری، ۱۳۸۰: ۱۷). آشوری در فرهنگ خود (۱۳۹۱: ۳۱۹) ناسیونالیسم را ملت‌باوری ترجمه کرده و آن را آگاهی جمعی می‌داند که از اشتراک در عواملی مانند زبان، ارزش‌های اخلاقی، دین، ادبیات، سنت‌های تاریخی، تاریخ، نمادها و تجربه‌های مشترک سرچشمه می‌گیرد. در تعریفی عام‌تر ناسیونالیسم بمعنی وحدت نظر و شرکت در مرام و آرزوی گروهی از مردم بر اساس خصایص ملی و نژادی برای تشکیل یک حکومت واحد و مقتدر می‌باشد (بیگدلی، ۱۳۸۳: ۶۷). ناسیونالیسم زمانی مفهوم دارد که تفکر یا تصویری از ملت داشته باشیم (قادری و میرزایی، ۱۳۹۰: ۷۰؛ شهرام‌نیا و نظیفی: ۱۳۹۲: ۲۰۱). ملت به مفهومی که امروز ما با آن آشنا هستیم، یعنی ملت-کشور، واقعیت تازه‌ای است که در گذشته‌های دور وجود نداشته است بلکه بعدها همگام با رشد بورژوازی در اروپا جان می‌گیرد. عصر جدید، که حدوداً میان سالهای ۱۴۵۰ و ۱۵۲۰ میلادی روی داده عصر انقلاب فرهنگی است. هدف اصلی این انقلاب سازگار کردن انسان با دگرگونی‌های محیط است تا بتواند از دست‌آوردهای مادی و معنوی دنیوی بهره‌گیرد (ابوالحمد، ۱۳۷۶: ۱۱۸). از آنجایی که دولت‌های مطلقه در تکامل ناسیونالیسم و ایجاد دولت‌های مدرن و نهایتاً رشد اقتصادی - اجتماعی جوامع نقش به‌سزایی داشته‌اند، سزاوار تأمل بیشتری می‌باشند؛ به عبارتی ناسیونالیسم در درون خود دارای تنوعات و اقسامی است که هر کدام بنا به برجستگی خاصی مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته‌اند اهم آن شامل ناسیونالیسم لیبرال (هی وود، ۱۳۷۹: ۲۹۸)، ناسیونالیسم محافظه‌کار (هی وود، ۱۳۷۹: ۳۰۰-۳۰۴)، ناسیونالیسم توسعه‌طلب (هی وود، ۱۳۷۹:

گفتمان هویت ملی جریان ناسیونالیسم قبل و بعد از انقلاب اسلامی... ۲۵

۳۰۳-۳۰۷)، ناسیونالیسم ضداستعماری (هی وود، ۱۳۷۹: ۳۱۱-۳۰۷)، ناسیونالیسم باستان‌گرا می‌باشد.

۲. الگوی تحقیق

با مرور روشهای تبیین هویت ملی در نگاه پژوهشگران ایرانی و با عنایت به اینکه حاجیانی هویت ملی را در هفت بعد و بوالحسنی هویت ملی را در پنج وجه و باوند هویت ملی را در سه بعد تقسیم بندی کرده‌اند این پژوهش نیز با برگرفتن ابعاد سه گانه فرهنگ، سیاست و اجتماع (الگوی- ۱) بعنوان وجوه کلان و کارساز به چگونگی تعیین هویت ملی در مقاله خواهد پرداخت.



(الگوی- ۱)

۳. چارچوب روشی

۳. ۱. جریان

جریان به لحاظ لغوی در معنای روان شدن (معین ۱۳۸۶: ۳۶۴) و به مجموعه‌ای از رویدادها و اندیشه‌ها در جهت هدفی خاص اطلاق شده است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۸۶۹). در معنای اصطلاحی جریان، به عمل جمعی اختیاری یا هدایت شده، که در بستری مشترک و جهتی معین حرکت داشته را گویند (خرمشاد، ۱۳۹۲: ۶۴). جریان‌شناسی به شناخت منظومه‌ای، چگونگی شکل‌گیری، تبدیل فکر به سازمان و جنبش، و مطالعه سیر تطور آن اشاره دارد جریان‌شناسی سیاسی فهم جامع‌تر و دقیق‌تر پدیده‌ها و روابط سیاسی در

شبکه‌ی پیچیده‌ی جوامع را ممکن می‌سازد. جریان‌شناسی سیاسی بعنوان روشی برآمده از متن و بطن جامعه‌شناسی سیاسی به مثابه‌ی یک میان رشته با علوم سیاسی (شام (Scharm)، ۲۰۰۹ به نقل از خرمشاد، ۱۳۹۲: ۸۶) راهی نو، برای تأملات درست‌تر، عینی‌تر، کاربردی‌تر و جامع‌نگران‌تر در اطراف پدیده‌های سیاسی و تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع فراهم می‌آورد.

۳. ۴. گفتمان

واژه گفتمان با سابقه هفتصدساله، از واژه لاتین *discurs-us* به گفتگو و محاوره گرفته شده است مک دانل (DianeMacdonell)، (۱۳۸۰: ۱۰). معادل‌های فارسی گفتمان عبارتند از: گفتار، سخن، بحث، مقال (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۴). فرهنگ لانگمن، گفتمان را به مثابه واحدهای زبانی بالاتر در نظر می‌گیرد که هم محتوا و فحوای زبانی آن‌ها و هم زمینه و بافت اجتماعی-زبانی مدنظر باشد. زلیگ هریس (Zellig Harris) بعنوان اولین شخصی که واژه گفتمان را وارد حوزه زبان‌شناسی کرد، آن را به همین معنا گرفت (مک دانل، ۱۳۸۰: ۱۳). گفتمان، مقوله‌ای اجتماعی و دارای زمینه‌ای اجتماعی است و محصول تلازم میان گفته و کارکردهای فکری-اجتماعی می‌باشد که هرگونه تغییری در هر یک از این دو، ناگزیر دیگری را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۹۸) هریس بعنوان اولین شخصی که واژه گفتمان را وارد حوزه زبان‌شناسی کرد، آن را به همین معنا گرفت (مک دانل، ۱۳۸۰: ۱۳). گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معانی هستند که در آن نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند هویت می‌یابند. لاکلا و موف معتقدند هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن و قابل فهم شدن باید در درون نظام گفتمانی قرار گیرد (منوچهری و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۰۶-۱۰۵).

۳. ۳. روش جریان-گفتمان

با عنایت به تعریف این پژوهش از هویت و هویت‌ملی، که آن را یک مفهوم سیال، متغیر و در حال صیوررت می‌داند لازم است با انتخاب یک روش به تغییرات و بازتولید واقعیات‌های این پدیده پرداخت. نظریه گفتمان برای تحلیل پدیده‌های سیاسی-اجتماعی مناسب بوده و از مفاهیمی نظیر مفصل‌بندی (Articulation)، هژمونی (Hegemon)، دال-مرکزی (Nodal point)، زنجیره هم‌ارزی (Equivalence)، ازجاشدگی (Dislocation)،

غیریت (Antagonism) و عناصر (Elements) بهره می‌گیرد. در الگوی جریان-گفتمان و با توجه به ظرفیت‌های نظریه گفتمان لاکلاوموف و ظرفیت‌های روشی جریان‌شناسی سیاسی، پژوهشگران بسان معجونی مشترک می‌توانند با بهره‌گیری از نقاط قوت هریک از آنها به مولفه‌های زبان، بستر واقعیت‌های اجتماعی و جریانی بطور همزمان پردازد. در همین راستا الگوی ۲ به عنوان الگوی تبیین گفتمانی هویت، برخوردار از روش تحلیل گفتمان لاکلاوموف جهت خوانش هویت ملی یکی از جریانهای فکری سیاسی معاصر ایران می‌باشد که در آن ضمن توجه به سه وجه سیاست، اجتماع و فرهنگ، دالها و دگرها و عناصر بصورت ذیل تبیین خواهد شد.



(الگو - ۲)

بنابراین، جریان که سبقه‌ی اندیشه و عمل اجتماعی یک مکتب فکری را مشخص می‌نماید با قرارگرفتن در مدل گفتمان، در الگوی جریان-گفتمان ما شاهد ظرفیت‌هایی برای بررسی ساختار درونی یک اندیشه، توضیح چگونگی معنایابی مفاهیم در درون ساختار یک اندیشه، نحوه‌ی جذب مفاهیم جدید در یک گفتمان و تغییر و تطبیق آنها در مفصل‌بندی نوین، توضیح رقابت و غیریت‌سازی بین گفتمان‌ها در وضعیت سیاسی-اجتماعی جامعه، تبیین نقش رهبران به عنوان سوژه‌های سیاسی در تحقق و شکل‌گیری گفتمان‌ها و توضیح تحول اجتماعی گفتمان‌ها و فرآیند افول گفتمان‌های مسلط و

شرایط غلبه گفتمان‌های جدید خواهیم بود بعبارتی جریان گفتمان بستری است که دارای زمینه‌ای اجتماعی است. از این منظر همسویی جریان‌شناسی سیاسی و گفتمان بعنوان روش مطالعه‌ی هویت‌ملی در این پژوهش برگزیده شد.

لذا این پژوهش پیش از به کارگیری فن گفتمانی، از جریان‌شناسی سیاسی بعنوان رویکردی روشی جهت شناسایی متفکران و عاملان سیاسی بهره می‌گیرد و پس از آن با تحلیل گفتمان اندیشه سوژه‌های منتخب به استخراج الگوی هویت‌ملی اندیشه‌ورزی آنان اقدام خواهد نمود؛ سپس با تحلیل تطبیقی، ضمن مقایسه دو متفکر جریان ملی گرا در دو سمت قبل و بعد رخداد انقلاب اسلامی به تبیین یک الگو برای نشان دادن هویت اندیشی این جریان بهره می‌گیرد.

۴. جریان-گفتمان ناسیونالیسم و هویت‌ملی

این جریان-گفتمان که بعد و قبل از انقلاب اسلامی کارکرد مشروعیت بخشی (بیگدلو، ۱۳۹۳: ۹۶) برای دولت عصر خود را داشته است هرچند اندازه و حوزه تأثیر آن در هر دوره متفاوت بوده اما نمی‌شود اهمیت مشروعیت بخشی آن را منکر شد؛ لذا متعلقان این جریان در راستای مشروعیت‌بخشی و ساخت هویت‌ملی همگون، به حمایت از تاریخ‌نگاری و ترویج این گفتمان اقدام می‌نمایند (بیگدلو، ۱۳۹۳: ۱۰۴). در همین راستا در این مقاله از میان جریان-گفتمان‌های موجود در ایران معاصر این جریان منتخب، تا با خوانش هویت در سه محور فرهنگ، سیاست و اجتماع در حوزه گفتمانگی دو اندیشمند قبل و بعد از انقلاب اسلامی آن تشریح گردد.

۵. احمد کسروی؛ نماد جریان ناسیونالیسم قبل انقلاب اسلامی

ناسیونالیسم و جریان ناسیونالیستی در ایران با تماس ایرانیان با افکار جامعه مغرب-زمین در قرن نوزدهم متولد گشت (مشیرزاده، ۱۳۷۴: ۳۶) و با آغاز جنبش مشروطیت، ایران وارد دوره‌ی مدرن و مشروعیت تازه‌ای براساس حکومت قانون شد؛ کسروی با عنایت به درک فضای مشروطه و همگامی با آن و خارج از تمام نظرهای متفاوت می‌تواند معیاری برای سنجش جریان ناسیونالیسم ایرانی قبل از انقلاب قرار گیرد. وی پژوهشگر، زبان‌شناس و مورخی چیره دست بود (گوهری، ۱۳۸۹: ۷۳۵؛ شهرکتاب، ۱۳۹۳) که با نوشتن زبان باستان آذربایجان، جای خود را در میان تاریخ پژوهان ایران و جهان باز کرد و به عضویت انجمن آسیایی همایونی و انجمن جغرافیای آسیایی در

لندن و دو انجمن ادبی در ایالات متحده درآمد و نوشتارهای او در مجله های ادبی و فرهنگی تهران به چاپ رسید.

بخش مهمی از روشنفکران عصر مشروطه، تحکیم هویت و وحدت ملی را به معنای محو تمایزات و گروه بندی های قومی، زبانی، مذهبی و یکسان سازی زبان (مکی، ۱۳۶۲: ۲۸۵) و فرهنگ تمامی مردم ایران و همچنین تغییر تقویم تعریف می کردند (بیگدلو، ۱۳۸۰: ۲۸۱-۲۸۲)؛ در این میان، کسروی با تخصص در زبانهای عربی، پهلوی و فرس قدیم، ارمنی کهن و نو، فرانسه، انگلیسی، ترکی، روسی، اسپرانتو و گویشهای محلی خوزستان، شوشتری، دزفول و بسیاری از شهرهای ایران معیار خوبی برای جریان ناسیونالیسم قبل از انقلاب محسوب می گردد؛ بهمین منظور در این پژوهش وی که مدتها به عنوان نویسنده در ماهنامه «پرچم» و «پیمان» (زندگینامه احمد کسروی، ۱۳۹۰) به گسترش گفتمان خود قلم فرسایی می نمود به نمونه شاخص، انتخاب گردید. کسروی در دو دوره متمایز به نگارش تالیفات و پژوهش های تاریخی خود پرداخته است: دوره اول: مطالعات تاریخی کسروی (۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ شمسی) پیوستگی منطقی و سیر تاریخی روشنی ندارد. دوره دوم: (از اوایل دهه ی ۱۳۱۰ تا مرگش در سال ۱۳۲۴) نیز با دخیل شدن نگرش افراطی به مسائل فرهنگی ایران در پژوهش های تاریخی اش، موضع گیری تنیدی در مقابل تشیع و سنت در آن ها دیده می شود (جزایری، ۱۹۹۰؛ کسروی، ۱۳۲۳).

۵. ابعاد و نشانه های هویت ملی در اندیشه کسروی

۵.۴. فرهنگ، نشانه ها و هویت ملی

کتاب فرهنگ کسروی (۱۳۲۴ب) با این جمله آغاز می شود: «از چیزهایی که در ایران به زیان توده است دستگاه فرهنگ است»؛ وی بشکل پارادوکسیکال ضمن نقد دستگاه فرهنگ به ستایش رضاشاه می پردازد (کسروی، ۱۳۲۴ب: ۱۶) و برای تصحیح فرهنگ مجوز از میان برداشتن «پندارهای کهن زمان های گذشته» (کسروی، ۱۳۲۴ب: ۲۳) را صادر می کند؛ و بدین صورت در پی ساختن «فرهنگ وحدت گرا» است. دیدگاه کسروی را می توان مجموعه نگرش های برگزیده و بومی روشنفکران پیشین و معاصرش تلقی کرد. وی برای اینکه به رهیافت خود، ماهیتی متفاوت دهد به مسأله پندار پرداخت و احساس همبستگی را از دو بعد روحی-روانی و عوامل عینی پیش

برد. بدین ترتیب، وی محور ایدئولوژی همبستگی ملی را، دین خردگرا قرارداد (حسن-زاده، ۱۳۸۱) و عناصر گفتمانگی‌اش را با «وحدت» مفصل‌بندی و در عین حال با «بی-دینی» غیریت‌سازی می‌کند و بی‌توجهی به آن را موجب زیانهای سترگی می‌داند! (کسروی، ۱۳۱۱: ۴۹)؛ و آموزش «دین» به شیوه‌ی عصرش رامنعی بزرگ برای پیشرفت تلقی می‌کند. «عدم وحدت دینی» و ضرورت زنجیره هم‌ارزی «همبستگی» موجب گردید وی دین را زیستن به «آیین خرد» معنا کند و داستان سوشیالیست ایران باستان و موعودطلبی را ابزار سیاست در بین حاکمان بداند (کسروی، ۱۳۲۲: ۵-۴۵؛ کسروی، ۱۳۲۳: ۹-۲۰). لذا او نه همچون روشنفکران سکولار، دین رافدای ایده‌های نوین و نه همچون برخی سنت‌گرایان ایده‌های نوین رافدای دین نکرد. در نهایت او در این مسیر به طرح آیین پاک دست زد! (ملایی، ۱۳۹۳: ۹۸-۱۰۱).

زبان بعنوان یکی از نشانه‌های هویت ملی و نقطه اتکای کسروی، زبان‌شناسی (موحد، ۱۳۹۲: ۶۲) مورد تعصب وی بود. بهمین منظور کثرت زبانی رایج در ایران را یکی از موانع یکپارچگی ایران می‌دانست؛ و شعار «یک درفش (منظور یک سرزمین)، یک دین، یک زبان» را سرمی‌داد و خواهان برچیدن فرقه‌های دینی، زبان‌های محلی، تعصبات قومی و یکپارچگی ایرانیان بود (ملایی، ۱۳۹۳: ۹۹)؛ و لذا در تحقق این ایده به تدوین «زبان پاک» گام نهاد (کسروی، ۱۳۲۲: ۶) و در حوزه گفتمانی‌اش عنصر «وحدت زبان» را برگرفت و کتاب «آذری یا زبان باستان آذربایجان» که آدمیت (۱۳۵۴: ۴۴۲) آن را از مهم‌ترین آثار تحقیقی وی می‌داند، نگاشت (کسروی، ۱۳۰۴: ۵).

۵ ۴ ۴. سیاست، نشانه‌ها و هویت ملی

کسروی در کتاب «در راه سیاست» (۱۳۲۴د) می‌نویسد: «امروز سیاست برای ایران آنست که پس‌ماندگی توده و گرفتاری‌های آن بدیده گرفته شده و راههایی برای چاره اندیشیده گردد» (۱۳۲۴د: ۶) و بر آن است که تنها نادرشاه و امیرکبیر در پی وحدت و یکپارچگی واقعی ایرانیان بوده‌اند. کسروی با طرح نیک خواهی بادو دولت روس و انگلیس و یکسان گرفتن هردوی آنها (کسروی، ۱۳۲۴د: ۱۴) موازنه ابرقدرت را مطرح می‌کند که بعدها موازنه منفی مصدق و موازنه مثبت پهلوی دوم از آن گرفته شد.

در اندیشه کسروی به مشروطه و طرفداری‌های وی از این تحول تاریخی برخوایم خورد که ناظر بر اهمیت دال نوع حکومت در حوزه گفتمان هویت ملی وی است (کسروی، ۱۳۶۳)؛ به عبارتی عنصر مورد علاقه در بخش سیاست برای وی، حکومت مشروطه بود و دگر این حکومت را «مشروعه» ای می‌دانست که سبب تفرقه در وحدت-ملی ایرانیان گشته است! (کسروی، ۱۳۲۴: ۲۴). از طرفی نحوه‌ی حضور دین در حکومت در نظر وی نه سکولاریسم بمثابه عدم دخالت دین در زندگی اجتماعی و سیاسی مردم است بلکه به تعبیر سروش «سکولاریسم ستیزه‌گر» است چرا که زور ناشی از برداشتن روبند و چادر را نیز مفید می‌پندارد! (کسروی، ۱۳۲۳: ۲۴). از طرفی کسروی به دیده وحدت‌انگار خود علیرغم طرفداری از حکومت مشروطه، نمی‌تواند حزب و دسته‌بندی گروه‌های مختلف را تاب بیاورد (کسروی، ۱۳۲۳: ۱۳) و در نهایت گویی هر آنچه وحدت را از میهن، مذهب، تاریخ و.. می‌گیرد «دگر» وی است. کسروی درباره‌ی یورش فرهنگی غرب و «اروپایی‌گری» نیز سخن گفته است (جزایری، ۱۹۹۰؛ یزدانی، ۱۳۷۶: ۱۷۳): «اگر از راستگویی نترسیم باید گفت اروپا خرد و هوش از دست هشته و کارهایش جز کارهای دیوانگان نیست» (کسروی، ۱۳۱۱: ۴۲)؛ اما همه این بدگویی‌ها از غرب باعث نشد کسروی به کمونیسم پناه برد: «در آیین بلشویکی میدان سخت تنگ می‌گردد و مردم اختیار نان و رخت خود را هم در دست نخواهند داشت» (کسروی، ۱۳۱۱: ۵۹). در مجموع کسروی بر حفظ تعادل و موازنه در ارتباط با هر دو جهت غرب و شرق نظر دارد.

۵ ۴ ۳. اجتماع، نشانه‌ها و هویت ملی

تاریخ بعنوان یکی از نشانه‌های اجتماعی هویت ملی در منظومه فکری کسروی، از مهمترین ابزارهای آگاهی بخش توده‌ها در جهت شناساندن «خود» یا تثبیت هویت است: «اگر بگوئیم تاریخ برای توده همچون ریشه است برای یک درخت، بسیار دور نرفته‌ایم» (کسروی، ۱۳۱۷: ۲۹). کسروی بسیاری از مورخان گذشته را سرزنش می‌کند که چرا بین «دگر» و حافظان این کشور و ملت تفاوتی نگذاشته‌اند (حسن‌زاده، ۱۳۸۱: ۶۴)؛ چرا که یادآوری مردانگی نیاکان در روزهای سخت باعث پیوستگی یک ملت

می‌شود اما در ایران، تاریخ به دلایلی از ایفای نقش همبستگی وحدت ملی بازمانده است و اکثر مردم ایران به جای تاریخ کشور، تاریخ کیش خود را حفظ می‌نمایند. کسروی بر آن بود که تاریخ خواندن با تاریخ را مایه‌ی سرگرمی ساختن، متفاوت است (کسروی، ۱۳۱۷الف: ۶۰). در نهایت برآیند نگاه ملی کسروی در مساله تاریخ ضرورت همبستگی ملی است.

جریان گفتمان ناسیونالیسم به امید همبستگی ملی، «خود» آگاهی ایرانی را در تاریخ ایران باستان جست‌وجو می‌کند (حسن‌زاده، ۱۳۸۱)؛ در همین راستا یکی از دغدغه‌های کسروی، برانگیختن انگیزه‌های میهن‌دوستی بود (ملایی، ۱۳۹۳: ۱۰۱-۱۰۲). وی میهن‌پرستی را هم زیستن (کسروی، ۱۳۲۴ب: ۲۲) می‌دانست و از همانندی با امپریالیسم سخن به اجتناب می‌نمود (کسروی، ۱۳۱۳ب: ۷). از تمایزات کسروی با ملی‌گرایان باستان‌گرا، دال «نژادگرایی» است. وی معتقد بود زرتشتی‌گری کیان‌بازی و «فروهر-سازی» همچون «اروپایی‌گری» صدمات زیادی به کشور می‌زند (کسروی، ۱۳۱۳ب: ۳۴) و باور داشت میان زرتشت و محمد دوتیرگی نیست، آنان هر دو فرستاده یک خدایند و هر دو به راهنمایی مردم برخاسته‌اند؛ ولی میان اسلام و عربیت تمایز قایل بود (کسروی، ۱۳۱۴ب: ۱۲-۵).

۵.۴ الگوی هویت ملی کسروی؛ در حوزه گفتمانگی ناسیونالیسم

هویت ملی و قومی در کشاکش تصور ما از خود و دیگران شکل می‌گیرد. ایران در برابر ایران، ایران در برابر توران و عجم در برابر عرب. بنابراین خود آگاهی از «هستی ما» با آگاهی از «هستی دیگران» همراه است (فاضلی و طهماسبی، ۱۳۹۴: ۱۰۹). کسروی «خودشناسی» و «خودآگاهی» را از وظایف اصلی آدمی می‌دانست و بر آن بود که اگر انسان خود را نشناسد زیان‌های متعددی متوجه‌اش خواهد شد (بروجردی، ۱۳۷۷: ۳۴). اما «خود» مورد نظر وی همان خود سنتی نیست. بعبارت دیگر خودشناسی به معنی بازگشت به گذشته نیست، بلکه منظور شناخت «خود» فعلی است (کسروی، ۱۳۱۱: ۴۰). واقعیت این است که کسروی با اعتراض علیه آن‌چه «خود» می‌پنداشت، تمامی

گفتمان هویت ملی جریان ناسیونالیسم قبل و بعد از انقلاب اسلامی... ۳۳

پل‌های معرفت‌شناسی «خود» را خراب کرد. کسروی از بوم‌گرایانی است که با ابزار «خرد» درصدد یافتن راه برون‌رفت از بحران ناکارآمدی هستند (کسروی، ۱۳۱۱).
در جدول (۱) و الگوی (۳) گفتمان هویت ملی کسروی، مهمترین دگر در برابر دال- برتر دین تفرق است و کلیه دال‌های کسروی با زنجیره هم‌ارزی «همبستگی» و وحدت کنار هم قرار گرفته است.

جدول (۱) گفتمان هویتی وحدت سرزمین احمد کسروی		
مفصل‌بندی با وحدت	زنجیره هم‌ارزی: همبستگی	دال برتر: یک درفش یک دین
دگرهای گفتمانگی	دال و عناصر شناور	بخش
در برابر دگر شرقی و غربی	آگاهی از خود ایرانی	فرهنگی
اروپایی‌گرایی	یورش فرهنگی غرب و شرق	فرهنگی
دین چندپاره	وحدت دینی	فرهنگی
زبان آلوده به زبان‌های بیگانه	زبان پاک	فرهنگی
فراموشی تاریخ	آگاهی تاریخی	اجتماعی
فروهرسازی و نژادگرایی	وحدت اندیشه تاریخی	اجتماعی
رخوت در اتحاد	وحدت و همبستگی ملی	اجتماعی
نکوهدن وطن‌خواهی	وطن‌پرستی	اجتماعی
عدم استقلال	سیاست موازنه ابرقدرتهای زمان	سیاسی
مشروع تفرقه آفرین	حکومت مشروطه	سیاسی
عدم وحدت	وحدت و یکپارچگی ایرانیان	سیاسی

واضح‌ترین تمایز در الگوی هویت ملی کسروی با دیگر ناسیونالیسم‌های حوزه گفتمانگی ملی‌گرایی در شاخصه‌ی «دگر» نمایان می‌شود؛ همان دغدغه‌ای که آبراهامیان (۱۳۹۰) بدان اشاره کرده است: «ایران در قرن نوزده میلادی در زمینه‌های بسیاری نمونه جامعه‌ای غیریکپارچه است». همین امر باعث شد آبراهامیان (۱۳۹۰) ناسیونالیسم کسروی را «ملی‌گرای وحدت‌انگار» بنامد و از سایر ناسیونالیسم‌ها تمایز بخشد.



(الگو-۳) گفتمان وحدت سرزمینی کسروی

تبیین کسروی از این که چرا ایران عقب ماند این است که: «علت رشدنیافتگی ایران چندپارگی آن بود. امپریالیست‌ها فرقه‌های مختلف را پدید نیاوردند: آن‌ها تنها از وجودش سوء استفاده کردند»؛ «در نظر کسروی، تنها ایدئولوژی‌های راستین - نه قدرت‌های تحمیلی، نه قانون و نه نهادهای دولتی - می‌توانند گروه‌ها و افراد متنازع را در قالب ملتی به هم پیوسته گرد هم آورند» (آبراهامیان، ۱۳۹۰). کسروی در نهایت چنان آنتونی اسمیت (۲۰۰۳: ۴۵) معتقد است که ملی‌گرایی در معنای واقعی خود می‌تواند یک مذهب باشد و یک ارتباط عاطفی بین مذهب و احساسات ملی‌گرایانه وجود دارد؛ کسروی نیز آرزو داشت کارزاری ملی برای حذف دستجات موجود در کشور به پا کند، ولی او تنها دسته جدیدی ایجاد کرد. از ترکیب دال‌های اصلی حوزه گفتمانی کسروی با یکدیگر زنجیره هم‌ارزی شکل می‌گیرد. این دال‌ها به خودی خود معنایی ندارند و از طریق زنجیره هم‌ارزی با لحاظ نمودن واژه «وحدت» که به آنها معنا می‌بخشد ترکیب می‌شود. هویت ملی کسروی ذات‌گرا است؛ هرچند در ادامه شاهد خواهیم بود که از جاشدگی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ سبب شد این گفتمان با جریان

گفتمان هویت ملی جریان ناسیونالیسم قبل و بعد از انقلاب اسلامی... ۳۵

گفتمان لیبرالیسم هم مرز و هم دیوار شود اما در حوزه گفتمانگی قبل از انقلاب این جریان گفتمان بر حقیقت ثابت مبتنی بر وحدت تأکید داشت.

۶. عزت‌الله سحابی؛ نماد جریان ناسیونالیسم بعد انقلاب اسلامی

قادری و میرزایی (۱۳۹۰: ۹۷) به نقل از گلنر (Ernest André Gellne) معتقدند که ناسیونالیسم نتیجه ضروری شرایط اجتماعی خاص است و بهیچ روی امری اتفاقی نیست. در همین راستا و پس از انقلاب اسلامی، جریان ناسیونالیسم مدنظر دوران پهلوی بواسطه حضور سایر جریان-گفتمان‌ها، جایگاه اصلی خود را از دست داد و متأثر از آنها به سمت گفتمان ملی-مذهبی متمایل گردید. عزت‌الله سحابی سیاستمدار، روزنامه‌نگار و اقتصاددان ایرانی که دور زندان و شکست، مدار زندگی او را تا ۸۱ سالگی ساخته (بهنود، ۱۳۹۰) و بیش از ۱۵ سال از عمرش را در زندان گذرانده، می‌تواند معیاری برای سنجش جریان یا طیف ناسیونالیسم ایرانی بعد از انقلاب قرار گیرد و ما را در واکاوی این جریان-گفتمان یاری دهد. سحابی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دولت موقت به ریاست سازمان برنامه و بودجه رسید و بعد جدایی از نهضت آزادی بعنوان نماینده تهران برای مجلس خبرگان قانون اساسی برگزیده شد. بعدها با دگرگونی عمیق در ساختار سیاسی کشور فصل جدیدی از مناسبات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی آغاز شد که موجب خروج جریان ملی-مذهبی و نهضت آزادی از حاکمیت گردید. بهر حال اگر جریان ناسیونالیسم را یک طیف در نظر بگیریم ناسیونالیسم رادیکال به علت عدم پایگاه مردمی، جایگاه خود را از دست داد و ناسیونالیسم بومی و مذهبی به انتهای طیفی که دیوار به دیوار جریان لیبرالیسم بود، گرایش یافت؛ و نمایندگانی از آن همچون عزت‌الله سحابی بعنوان منتقد عملکرد جریان اسلامی به تبیین مواضع و دیدگاههای خود ادامه دادند.

۶.۴. ابعاد و نشانه‌های هویت ملی در اندیشه عزت‌الله سحابی

۶.۴.۴. فرهنگ؛ نشانه‌ها و هویت ملی

دین بعنوان یکی از دال‌های فرهنگ مدنظر جریان-گفتمان ناسیونالیسم ایرانی بوده و بنحوا اهمیت آن در حوزه گفتمانگی‌شان، آنها خود را ملی-مذهبی نامیدند. سحابی با استناد به «تاریخ تحول اندیشه سیاسی»، این را نشانه یکتاپرستی‌شان می‌داند: «تنها ملتی که در جهان با مذهب یکتاپرستی تأسیس شده ایران بوده است» (سحابی، ۱۳۹۴ الف).

وی مذهب تاریخی ایرانیان را عامل همبستگی‌شان می‌داند: «مذهب یک عامل ارتباط و پیوند بین انسان‌ها محسوب می‌شود... ولی در ایران مذهبی [معاصر]... مذهب نقش گذشته خود را ندارد» (سحابی، ۱۳۹۴ الف). سحابی با بیان احتمال گسست اجتماعی به علت افول مذهب یا آنچه او «سرمایه اجتماعی» یک ملت می‌داند در پی بیان انسداد معنایی برای دال برتر «معنویت» در جامعه کنونی است: «دوران هخامنشیان با ساسانیان یک تفاوت جدی دارد. در عهد هخامنشیان یک آزادی معنوی وجود داشت... فشار نیاوردند که مردم حتماً زرتشتی شوند، اما در زمان ساسانیان فشار آوردند که مردم زرتشتی شوند. نتیجه‌اش هم این شد که پس از حمله اسکندر... از ساسانیان خبری نبود» (سحابی، ۱۳۹۴ ب). در عرصه عمومی که حالا به اصطلاح امروز، جامعه مدنی می‌گویند، اگر دین حضور نداشته باشد اخلاقیات سقوط می‌کند. در واقع این اخلاق است که در جامعه، افراد را به هم وصل می‌کند و سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کند. این است که من معتقدم به خاطر اخلاق پایدار، باید مذهب وجود داشته باشد (سحابی، ۱۳۸۳: ۳۰). در جایی دیگر سحابی ضمن تبیین دین در اندیشه‌ی ملی‌گرایی به تمایز خود با لیبرالیست‌های بعد انقلاب می‌پردازد و می‌گوید: «آقای سروش گفت که مرگ بازرگان، مرگ نحله‌ای بود که می‌خواست دموکراسی یا مفاهیم مدرن و مدنیته را از درون اسلام و قرآن در بیاورد. در حالیکه... ما حرکت نوگرایی را، حرکتی می‌دانیم که به دنبال توجیحات یا زمینه‌های اسلامی مفاهیم مدرنیته است» (سحابی، ۱۳۸۱: ۱۶). دال دین در اندیشه سحابی علیرغم توجه، به دال مرکزی تبدیل نمی‌شود: «ایران برای ما محور است. به قول مرحوم مهندس بازرگان ما اول ایرانی، بعد مسلمان هستیم» (سحابی، ۱۳۹۴ ب)؛ «مذهب ممکن است تغییر کند، ممکن است مکاتب دیگری به جای مذهب بیایند، اما ایران و وجود ایرانی باقی است» (سحابی، ۱۳۹۴ الف). وی با عرضی خواندن دین، در پی بیان عدم ضرورت معنویت در حوزه گفتمانگی ناسیونالیسم لیبرال خود نیست. اگر کسروی تیغش را به سمت آموزگاران دین گرفت؛ سحابی تیغ نقدش را سمت اجرای اسلام حکومتی گرفت: «مردم [می‌باید] آزادانه و با رضا و رغبت خود و به سابقه نیازهای درونی و فطرت صاف خود، اسلام و ارزشهای والای آن را درک و جذب نمایند... همان حال و هوایی که از چند سال قبل از دهه پنجاه شمسی تا دو سال بعد از انقلاب در این مردم ایجاد شده بود و ما و گروه‌های حاکم امروز، قدر آن را ندانستیم» (سحابی، ۱۳۷۵).

زبان بعنوان یکی دیگر از دالهای فرهنگی در اندیشه‌های سحابی ذی مدخل و در اولویت نبوده است؛ زبان برای سحابی در پیوند با مذهب و ایرانیت معنا دارد چنانکه معتقد است: «با اینکه زبان ایرانیان عربی نبوده است، اما صرف و نحو زبان عربی را نیز تدوین می‌کنند؛ یعنی آن را رشد می‌دهند و تصحیح و تکمیل می‌کنند» (سحابی، ۱۳۹۴ الف)؛ به واقع علیرغم اهمیت دال زبان در جریان ناسیونالیسم، سحابی بطور ویژه بدان نمی‌پردازد و با آن بسان هویت و یک میراث تاریخی برخورد می‌کند.

۶ ۴ ۴. سیاست؛ نشانه‌ها و هویت ملی

وقتی سخن از سیاست و حکومت بعنوان نشانه‌های هویت ملی می‌رود گستره عمل دین مهم می‌شود سحابی با ابراز نگرانی از احتمال گسست اجتماعی، با توجه به تجارب تاریخی می‌گوید: «ماسکولاریزه کردن جامعه را نمی‌خواهیم، ولی می‌گوییم حکومت باید نسبت به عقاید و ایده‌های مردم بی‌طرف باشد؛ تا بتواند عدالت را برقرار کند» (بسته‌نگار، ۱۳۹۳: ۱۲). سحابی علیرغم همراهی با انقلاب اسلامی با اصل ولایت فقیه در قانون اساسی مخالفت نمود. در همین راستا وی طی مصاحبه با لوموند ضمن بیان عناصر حکومت مدنظرش، جنبش سبز را خودجوش می‌خواند و می‌گوید: «سی سال است که من هم چنان از بند ۱۱۰ قانون اساسی انتقاد می‌کنم که تمامی قدرت که تنها خداوند لایقش است در اختیار یک مرد، قرار می‌دهد؛ شناختی که من از مذهب دارم، با این بند تناقض دارد» (سحابی، ۱۳۸۹).

دگرسازی با حکومت دینی، از منظر سحابی به معنای حذف دین از عرصه عمومی نیست: «با توجه به این سابقه‌ای که داریم تصورم این است که اگر ایرانیان با مذهب باشند، باقی می‌مانند و رشد و ترقی اقتصادی و صنعتی و علمی و فکری و ... هم می‌توانند داشته باشند؛ اما اگر بی‌مذهب باشند! نشانه و نمونه‌اش همین چیزی است که امروز دیده می‌شود این «خودگرایی» یا اتمیسم اجتماعی امروزه دارد بیداد می‌کند» (سحابی، ۱۳۹۴ الف). سحابی ضمن بیان دو نوع حاکمیت و اجرای قوانین حکومتی (سحابی، ۱۳۷۶) به دنبال دگرسازی با «گسست اجتماعی» است و با نفی فرهنگ سیاسی حاضر بعنوان دالی که نمی‌تواند منجر به آفریدن زنجیره هم‌ارزی «وحدت» شود

به باور خودش دال‌های حاکمیتی را بنحوی پی‌ریزی و مفصل‌بندی نماید که موجبات توسعه ملی گردد. سحابی درباره سیاست خارجی معتقد است ویژگی ما ملی-مذهبی‌ها، به لحاظ نظری، تقدم منافع ملی بر جهان-وطنی است حتی ما جهانی شدن مسلمین را هم فرع بر منافع ملی می‌دانیم؛ یعنی اگر دخالت ما در فلسطین یا در بوسنی به این منجر شود که به تمامیت ارضی ایران لطمه بخورد معتقدیم باید کوتاه بیاییم (سحابی، ۱۳۸۹).

۶ ۴ ۳. اجتماع؛ نشانه‌ها و هویت ملی

سحابی بسان دیگر اعضای جریان ناسیونالیسم به عناصر تاریخی ایران باستان، هخامنشیان، شاه عادل، نژاد، زرتشت و... اشاره می‌کند و گاه آن‌ها را مایه اقتدار «ایران» می‌داند اما به گفته خودش «من به هیچ وجه از ایران قدیم... در بست دفاع نمی‌کنم» (سحابی، ۱۳۹۴ ب)؛ «این ملت در واقع یک واقعیت تاریخی است... مجموعه یا کل تاریخی و دورانی این ملت، به گردن ما حق دارد و ما وظیفه داریم که جلوی انحطاط و فروپاشی آن را بگیریم. از اینجا بود که من به اصطلاح امروزی ملی‌گرا شدم. ملی‌گرایی هم نه به معنای ملت‌پرستی، بلکه ملت‌دوستی». بدین ترتیب وی تاریخ را به مثابه میراثی برای «وحدت» می‌نگرد و ضمن اشاره به دوران پیش از اسلام، دال «تاریخ» را با زنجیره هم‌ارزی «مذهب» مفصل‌بندی می‌کند و بر آن است که ظهور زرتشت و تشکیل حکومت هخامنشی در ایران مصادف با قتل و غارت نمی‌گردد چراکه زرتشت یک پیغمبر یکتاپرست بود (سحابی، ۱۳۹۴ الف). درجایی دیگر سحابی با اشاره به لزوم «عبرت‌گیری از تاریخ» اشاره می‌کند (هوشمند، ۱۳۹۰) و همین عنصر در چارچوب تاریخ، او را به این نتیجه می‌رساند که می‌توان از ماجرای تاریخی اشغال سفارت امریکا در ایران نیز درس‌هایی آموخت (سحابی، ۱۳۷۸).

سحابی با تاکید بر منافع ملی و حفظ استقلال سرزمین معتقد بود که ما همه داخل یک کشتی هستیم و اگر کسی بخواهد کشتی را سوراخ کند همه غرق می‌شویم؛ لذا اشاره دارد نظرات مختلف باید تا جایی مورد بحث باشد که به تمامیت ارضی ایران و استقلال کشور آسیبی وارد نکند (بسته‌نگار، ۱۳۹۳: ۲۷)؛ و می‌گوید: «هیچ راهی جز

گسترش ریشه‌هایمان در خاک این سرزمین و شکل‌دهی به ساختارهای مقاومت برای دوام و بقا در برابر این سیل بنیان‌کن وجود ندارد. استراتژی واقعی.. استقامت و دفاع است، و نه تهاجم یا تسلیم. در استقامت است که بقا و استقلال ما فی الجمله تضمین می‌شود و هم قدرت توسعه بیشتری به دست می‌آوریم» (سحابی، ۱۳۷۲) سحابی با انتخاب توسعه‌درون‌گر به تمایز خود با جریان لیبرالیسم ایرانی تأکید دارد. (بسته‌نگار، ۱۳۹۳: ۱۶-۱۵).

۶. الگوی هویت ملی سحابی؛ در حوزه گفتمان‌نگی ناسیونالیسم

نگاه سحابی، به هویت ملی با مفاهیمی مانند ضدیت با استعمار، استقلال سیاسی، اولویت منافع ملی و یکپارچگی ملی و از همه مهم‌تر با توسعه‌ملی‌گره خورده است (هوشمند، ۱۳۹۰). سحابی پیرامون حفظ مرز منافع «خود» می‌نویسد: «اتکای ملت‌ها به خارج در طول تاریخ همیشه راهی عقیم و ضررآفرین بوده است... نگاه به خارج یعنی پذیرش و سلطه حاکمیت شمال یعنی امپریالیسم‌پذیری و فراموش کردن ارادی و عمدی خرد ملی، استعداد و توانایی مادی و معنوی است» (بسته‌نگار، ۱۳۹۳: ۲۷). بدین ترتیب «دگر» سحابی استعمار و هرآنچه منافع و توسعه‌ملی «خود» را با چالش مواجه کند، می‌باشد. بطور کلی او با «توتالیتار و اتمیسم» چه در داخل کشور و چه در خارج از آن، مخالف است و بیش از هرچیز مفهوم «سلطه» را «دگر» می‌پندارد؛ ولی ضمن باور به وجود «سلطه» در روابط بین‌الملل می‌گوید: «امروزه ما موجی از تهاجمات را بر علیه کشورمان مشاهده می‌کنیم... این حملات هرگز ناشی از تمایل و علاقه غرب به بهبود شرایط داخلی... ایران نمی‌باشد، بلکه در اصل امحای هویت و واقعیت مستقل ایرانی را دنبال می‌نماید» و امید به جلب حمایت نیروهای بیگانه جهت اعمال فشار به حکومت، هیچ نتیجه‌ای جز خدمت‌گرازی به همان بیگانگان را بهمراه نخواهد داشت (سحابی، ۱۳۷۲: ۵). در نهایت دگر بزرگ سحابی گسستی است که منجر به عدم توسعه گردد.

جدول (۲) گفتمان هویتی توسعه‌نگر ملی سحابی		
مفصل بندی با توسعه	زنجیره هم ارزی: همبستگی و اسلام	دال برتر: توسعه ملی
دگرهای گفتمانگی	دال و عناصر شناور	بخش
امتیازدهی به دگر ایران	آگاهی از خود ایرانی	فرهنگی
انحلال در تمدن فربه غرب	توسعه فرهنگی	فرهنگی
اتمیس و فرهنگ سلطه	مخالفت با فرهنگ توتالیتیر	فرهنگی
دین عامل تفرقه و انزوا	دین عامل وحدت	فرهنگی
گسست اجتماعی	توسعه اخلاق بعنوان سرمایه اجتماعی	فرهنگی
ملی‌گرایی منفی	یکپارچگی ملی	اجتماعی
هویت اسلامی فاقد ایرانیت	ایرانی بودن مقدم بر اسلامی بودن	اجتماعی
امت واحد	توسعه و تقدم منافع ملی بر جهان وطنی	اجتماعی
فراموشی تاریخ	عبرت‌گیری از تاریخ	اجتماعی
عدم توسعه ملی	توسعه مقاومت و اقتصاد ملی	اجتماعی
وطن پرستی	ملت دوستی	اجتماعی
امپریالیسم	عدم استیلای خارجی	سیاسی
حکومت دینی و ولایت فقیه	حکومت بی طرف دینی	سیاسی
توسعه نیافتگی یعنی عدم استقلال	توسعه پشتوانه استقلال است	سیاسی
استبداد، استعمار و استعمار	وحدت و همبستگی ملی	سیاسی

حوزه گفتمانگی سحابی از عناصر ناسیونالیستی، لیبرالی و مذهبی ترکیب شده، بنحوی که به توسعه ملی در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کمک نماید؛ در سحابی می‌شود مصدق، بازرگان و شریعتی را دید هرچند تمایز مهم او با آنها در انتخاب دال مرکزی و دگر حوزه‌ی گفتمانگی‌اش می‌باشد اما او با بهره‌گیری از عناصر دیگر گفتمان‌ها در پی حفظ ملی‌گرایی است. در فضای گفتمانی سحابی دال‌های شناور بگونه‌ای مفصل‌بندی شده که بر وحدت و توسعه‌ی ایرانیت یاری رساند و طبق جدول (۲) الگوی (۴) در این زنجیره هم‌ارزی هرچند اسلام مهم است اما بر توسعه ملی پیشی نمی‌گیرد و ذیل آن قرار می‌گیرد. از جاشدگی انقلاب، فضای انقلابی، جنگ، سال ۷۶، جنبش سبز و دیگر حوادث و بی‌قراری‌های اجتماعی بر گفتمان سحابی موثر

به بیان شباهت‌ها خواهیم پرداخت. منطبق با جدول (۲-۷) و الگوی (۲-۸) از مقایسه دال‌برتر گفتمان دو اندیشمند می‌توان دریافت که یکی وحدت پرچم را در گرو وحدت دین دانسته و دیگری استقلال یک ملت را در گرو توسعه داخلی، بدین ترتیب می‌توان دال مشترک آنها را «همبستگی ذیل یک پرچم» نامید.

اولین دال شناور هر دو اندیشمند «آگاهی از خود ایرانی» است که آن را در برابر «دگر» غرب و شرق قرار می‌دهد. با واکاوی عناصر گفتمان سحابی می‌توان غیریت-سازی با غرب را علی‌الخصوص در انتهای عمر او کمرنگ دانست؛ اما اصل توسعه استقلال بر محور عدم امتیاز به استبداد داخلی و خارجی است؛ لذا می‌توان «دگر» دال فرهنگی «آگاهی از خود ایرانی» را برای هر دو اندیشمند، «غرب و شرق» در نظر گرفت. البته هر دو به «تهاجم و یورش فرهنگی غرب» بیش از شرق اشاره کرده و هر کدام به تفصیل از آن سخن گفته‌اند و خواهان «استقلال فرهنگی» در برابر این تمدن فربه بوده‌اند.

کسروی و سحابی، ضعف و «دگر» هویت ملی ما را در گسست اجتماعی و چندپاره‌گی می‌دیدند لذا از «توسعه اخلاق» و «وحدت‌گرایی» بعنوان عناصر لازم جهت بازسازی گفتمان هویت ملی سخن گفته‌اند؛ هر چند نحوه توسعه‌ی این وحدت در سحابی با قبول تکثر، و در کسروی با یکسان‌سازی امکان‌پذیر می‌شود اما جدای از نحوه اجرا می‌توان هدف را بر محور همبستگی چید؛ البته با در نظر گرفتن زیست-جهان کسروی و احتمالاً عدم آشنایی وی با کنار رفتن فراروایت‌ها در جهان، راه حلش را می‌توان مربوط به عصر وی قلمداد نمود و راه حل سحابی را معیار نهاد.

در روش تطبیقی، هدف اصلی تبیین واقعیت‌های کلان است (نوذری، ۱۳۸۷: ۲۳۸)؛ بر این محور، برای فهم جایگاه دین در گفتمان هویتی کسروی و سحابی باید به کارکرد آن در عرصه اجتماع توجه کرد؛ هر دو اندیشمند، دین را عامل وحدت و ارتباط می‌دانستند لذا بهنگام مشاهده عصر خود، بر آن شدند که بر دال «وحدت دینی» تأکید ورزند؛ با بررسی دغدغه کسروی در خواهیم یافت که وی بیش از نگرانی برای حقیقت-ها، نگران گسست اجتماعی بخاطر دین‌ها بود و زنجیره‌هم ارزی «وحدت» او را به برگرفتن همسازی و همسانی دین سوق داد؛ در حالیکه سحابی توسعه آزادی معنوی و دینی را بعنوان یک سرمایه اجتماعی لازم می‌دانست و خواستار حضور آن در عرصه عمومی بود. در جریان-گفتمان ناسیونالیسم اغلب، زبان یک عنصر مهم قلمداد می‌شود. اما یکی از وجوه تمایز گفتمان هویتی دو اندیشمند مطروحه، میزان تأکید بر زبان است. در حالیکه کسروی زبان را مرزدار واژه‌ها می‌دانست و از دگر «آلودگی زبان» به کلمات بیگانه نگران بود اما سحابی کمتر نگران این موضوع بود.

در بخش اجتماعی گفتمان هویت ملی، هر دو اندیشمند بر آگاهی تاریخی و عبرت-گیری از آن تأکید داشته و «دگر» آن را فراموشی تاریخی می‌پندارند؛ هم‌آهنگی گفتمانی کسروی و سحابی، در جریان گفتمان ناسیونالیسم، علیرغم وجود «ازجاشدگی» بزرگ رخداد انقلاب اسلامی و همچنین تاریخمندی گفتمان‌ها، قابل تأمل است. لذا توجه به محور هم‌ارزی «وحدت» در هر دو گفتمان لازم می‌آید بر همین اساس همه مفاهیم با همبستگی ملی مفصل‌بندی شده و «ملی‌گرایی مثبت» یکی دیگر از عناصر گفتمانی آنها را شکل می‌دهد. توجه به «تاریخ کشور» و تحدید «تاریخ کیش» در هر دو گفتمان موجب تبیین و تولید دال «ایرانیت مقدم بر دینیت» گشت؛ بنحوی که منافع ملی را بر جهان وطنی ترجیح دادند (سحابی، ۱۳۹۴).

در بخش سیاسی گفتمان هویت ملی، عنصر حکومت مطلوب در زمان کسروی با دگر حکومت مشروعه‌شناخته می‌شد که با دگر حکومت مطلوب سحابی یعنی «ولایت فقیه» می‌تواند شبیه بهم قلمداد گردد. این توصیف در جدول (۳) و الگوی شماتیک (۵) به تصویر آمده است.

جدول (۳) تلفیق گفتمان هویتی کسروی-سحابی		
دال مشترک: همبستگی ذیل یک پرچم	زنجیره هم‌ارزی وحدت	مفصل‌بندی با همبستگی ملی
بخش	دال و عناصر شناور	دگرهای گفتمانی
فرهنگی	آگاهی از خود ایرانی	امتیازدهی به شرق و غرب
فرهنگی	تهاجم فرهنگی غرب و شرق	انحلال در تمدن شرق و غرب
فرهنگی	توسعه اخلاق وحدت	گسست اجتماعی
فرهنگی	دین عامل وحدت	دین عامل تفرقه
فرهنگی	زبان پارسی	آلودگی به زبان‌های بیگانه
اجتماعی	عبرت‌گیری از تاریخ و آگاهی از تاریخ	فراموشی تاریخ
اجتماعی	همبستگی ملی	وطن‌خواهی منفی
اجتماعی	ایرانی بودن مقدم بر دینی بودن	تاریخ کشور فدای تاریخ کیش
اجتماعی	تقدم مناقع ملی بر جهان وطنی	امت واحد
اجتماعی	وحدت اندیشه تاریخی	زرتشت‌گرایی، تفرقه و خصومت
سیاسی	حکومت دموکراتیک	حکومت مشروعه و ولایت فقیه
سیاسی	عدم استبداد داخلی و خارجی	سلطه و استیلای خارجی
سیاسی	سیاست موازنه	عدم استقلال
سیاسی	حمایت از توسعه استقلال ملی	وابستگی به سلطه

گفتمان هویت ملی جریان ناسیونالیسم قبل و بعد از انقلاب اسلامی... ۴۵

بیگدلو، رضا (۱۳۹۳)، «ارزیابی انتقادی تاریخ نگاری ناسیونالیستی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال پانزدهم، شماره ۲

تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، **گفتمان، پادگفتمان و سیاست**، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم-انسانی

تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴)، **روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان**، تهران: ناشر فرهنگ گفتمان
جزایری، محمدعلی (۱۹۹۰)، «کسروی و برخورد فرهنگی شرق با غرب»، نشریه ایران نامه، سال هشتم، شماره سوم، تابستان، سایت احمدکسروی

حاجیان، ابراهیم (۱۳۷۹)، «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چندفرضیه»، فصلنامه **مطالعات ملی**، سال ۱۰، شماره ۵

حسن‌زاده، اسماعیل (۱۳۸۱)، «گفتمان هویت ملی در تاریخ‌نگاری کسروی»، فصلنامه **مطالعات ملی**، سال چهارم، شماره ۱۴

خرم‌شاد، محمدباقر؛ سرپرست‌سادات، سیدابراهیم (۱۳۹۲)، «جریان‌شناسی سیاسی به مثابه روش»، فصلنامه **مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی**، دوره پنجم (بهار)، شماره ۲

داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۹)، **درباره غرب**، تهران: انتشارات هرمس
دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، **لغت‌نامه (فرهنگ متوسط دهخدا)**، تهران: دانشگاه تهران

زندگینامه احمد کسروی (۱۳۹۰)، قابل دسترسی در سایت **بی‌بی‌سی فارسی**، تاریخ مراجعه ۱۳۹۵/۰۱/۱۸

سحابی، عزت‌الله (۱۳۷۲ الف)، «فضای جهانی و حاکمیت ملی»، نشریه **ایران فردا**، سرمقاله، شماره ۸، مرداد و شهریور، قابل دسترسی در <http://melimazhabi.com/maghalat> کد مطلب: ۱۰۹۶۱، تاریخ مراجعه ۱۳۹۵/۲/۹

سحابی، عزت‌الله (۱۳۷۲ ب)، «دغدغه‌های فردای ایران (۱)»، تخلص و گزیده‌ای از کتاب **دغدغه‌های فردای ایران**، چشم‌انداز ایران، شماره ۱۳

سحابی، عزت‌الله (۱۳۷۵)، «فرایض دینی، انتخاب یا اجبار؟»، شماره **فردا**، شماره ۲۸، آبان
سحابی، عزت‌الله (۱۳۷۶)، «امر به معروف؛ نقد اجتماعی یا حساسیت بر ظاهر»، **ایران فردا**، شماره ۳۷، مهر

سحابی، عزت‌الله (۱۳۷۸)، «تجربه سفارت آمریکا و درس‌های آن»، **ایران فردا**، سرمقاله، شماره ۶۰، مهر
سحابی، عزت‌الله (۱۳۸۱)، «ارزیابی نیروهای ملی-مذهبی در بستر تحولات اجتماعی» (گفتگو با سحابی)، **بازتاب اندیشه**، شماره ۳۴، به نقل از چشم‌انداز ایران شماره ۱۶

سحابی، عزت‌الله (۱۳۸۳)، «ایران و چالش‌های پیش‌رو» (گفتگو با سحابی)، **چشم‌انداز ایران**، ویژه‌نامه بهار

سحابی، عزت‌الله (۱۳۸۹)، «عزت‌الله سحابی: ایران در جستجوی آزادی و برابری» (مصاحبه با مجله لوموند)، خرداد، تاریخ مراجعه ۱۳۹۵/۰۸/۱۶، قابل دسترسی در <http://irandarjahan.net>.
سحابی، عزت‌الله (۱۳۹۴الف)، «چرا ملی، چرا مذهبی؟ (۱)» (گفتگو با سحابی)، چشم‌انداز ایران، شماره ۹۳، قابل دسترسی در <http://melimazhabi.com/maghalat>. تاریخ مراجعه ۱۳۹۵/۲/۵
سحابی، عزت‌الله (۱۳۹۴ب)، «چرا ملی، چرا مذهبی؟ (۲)» (گفتگو با سحابی)، چشم‌انداز ایران، شماره ۹۳، قابل دسترسی در <http://melimazhabi.com/maghalat>. تاریخ مراجعه ۱۳۹۵/۲/۵
سلیمی، شهاب (۱۳۸۸)، «آغاز و انجام یک اسلام‌ستیز»، روزنامه جام‌جم، ۲۷ اسفند، تاریخ مراجعه در ۱۳۹۵/۰۱/۲۱

شهرام‌نیا، امیرمسعود؛ نظیفی‌نائینی، نازنین (۱۳۹۲)، «تعامل و تقابل ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال دوم، شماره ۵، تابستان
صنیع‌اجلال، مریم (۱۳۸۴)، «درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی»، تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی

عزیزپور، مسعود (۱۳۹۰)، «شیعی‌گری جستاری در نقد فرهنگ دینی»، بی‌بی‌سی فارسی، تاریخ مراجعه ۱۳۹۵/۰۱/۲۹

عضدانلو، حمید (۱۳۸۰)، **گفتمان و جامعه**، تهران: نشرنی
غفاری، غلامرضا (۱۳۸۸)، «منطق پژوهش تطبیقی»، **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، زمستان، دوره ۳، شماره ۴

فاضلی، حبیب‌الله؛ طهماسبی، نوذر خلیل (۱۳۹۴)، «حسین کاظم زاده ایرانشهر و مسأله هویت ملی»،
جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره سوم، پاییز

فرامرزقراکی، احد (۱۳۸۰)، **روش‌شناسی مطالعات دینی**، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی
فکوهی، ناصر (۱۳۸۰)، **زن ایرانی هویتی تعریف نشده**، جامعه و فرهنگ، جلد چهارم
قادری، طاهره؛ میرزایی، آیت‌الله (۱۳۹۰)، «ناسیونالیسم ایرانی در سده نوزدهم»، **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی**، ۱۸ (۳۹)، صص ۱۰۳-۶۹.

قمری، داریوش (۱۳۸۰)، **تحول ناسیونالیسم در ایران ۱۳۲۰-۱۳۳۲**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، **قدرت هویت**، ترجمه: چاووشیان، تهران: طرح نو
کسروی، احمد (۱۳۰۴)، «صفویه سید نبودند»، **مجله آینده**، سال سوم، شماره هفتم
کسروی، احمد (۱۳۱۱)، **آئین**، قابل دسترسی در <http://www.lookiran.com>. تاریخ مراجعه ۱۳۹۵/۰۱/۲۳

کسروی، احمد (۱۳۱۳الف)، «من چه می‌گویم»، **مجله پیمان**، سال ۱، شماره ۹، فروردین
کسروی، احمد (۱۳۱۳ب)، «اسلام و ایران»، **مجله پیمان**، سال ۱، شماره ۱۳، خرداد

گفتمان هویت ملی جریان ناسیونالیسم قبل و بعد از انقلاب اسلامی... ۴۷

- کسروی، احمد (۱۳۱۴ الف)، «یک درفش، یک دین»، **مجله پیمان**، سال ۲، شماره ۶، خرداد
- کسروی، احمد (۱۳۱۴ ب)، از «خوانندگان پیمان»، **مجله پیمان**، سال ۲، شماره ۸، مرداد
- کسروی، احمد (۱۳۱۴ ج)، «همیشه نگران آینده باید بود»، **مجله پیمان**، سال ۲، شماره ۱۰، مهر
- کسروی، احمد (۱۳۱۷)، «گذشته و آینده»، **مجله پیمان**، سال ۵، شماره ۲، دی
- کسروی، احمد (۱۳۲۲ الف)، **بهای گری**، تهران: پیمان
- کسروی، احمد (۱۳۲۲ ب)، **زبان پاک**، قابل دسترسی در <http://www.kasravi.info/ketabs/zabane-pak.pdf> تاریخ مراجعه ۱۳۹۵/۰۱/۲۸
- کسروی، احمد (۱۳۲۳ الف)، **بخوانند و داوری کنند**، تهران: پیمان، چاپ نخست
- کسروی، احمد (۱۳۲۳ ب)، **دادگاه**، تهران: پیمان، چاپ نخست
- کسروی، احمد (۱۳۲۳ ج)، **زندگانی من**، قابل دسترسی در <http://www.lookiran.com> تاریخ مراجعه ۱۳۹۵/۰۱/۲۳
- کسروی، احمد (۱۳۲۴)، **خواهران و دختران ما**، تهران: پیمان، چاپ دوم
- کسروی، احمد (۱۳۲۴ ب)، **فرهنگ چیست**، تهران: پیمان، چاپ دوم
- کسروی، احمد (۱۳۲۴ ج)، **سرنوشت ایران چه خواهد شد**، قابل دسترسی در <http://www.lookiran.com> تاریخ مراجعه ۱۳۹۵/۰۱/۲۳
- کسروی، احمد (۱۳۲۴ د)، **درواه سیاست**، قابل دسترسی در <http://www.lookiran.com> تاریخ مراجعه ۱۳۹۵/۰۳/۳۰
- کسروی، احمد (۱۳۶۳)، **تاریخ مشروطه ایران**، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ شانزدهم
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۰)، «جهانی شدن و بحران هویت»، **فصلنامه مطالعات ملی**، سال دوم، شماره ۱۰
- گوهری، سپیده (۱۳۸۹)، «مستندسازی یک خودنوشت (احمد کسروی)»، **پیام بهارستان**، دوره ۲، سال دوم، شماره ۸، تابستان، ۷۳۴-۷۴۰
- مارش، دیوید؛ استوکر، جری (۱۳۷۸)، **روش و نظریه در علوم سیاسی**، ترجمه: حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- مسکوب، شاهرخ (۱۳۷۹)، **هویت ایرانی و زبان فارسی**، تهران: نشر فرزانه روز، چاپ نخست
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۷۴)، «ساختار استبدادی حکومت پادشاهی و عدم رشد بورژوازی در ایران»، **مجله راهبرد**، بهار، شماره ۶
- معین، محمد (۱۳۸۶)، **فرهنگ فارسی**، ویراستار امیر کاووس بالازاده، تهران: ساحل، چاپ چهارم
- مکدانل، دایان (۱۳۸۰)، **مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان**، مترجم: حسینعلی نودری، فرهنگ گفتمان، چاپ اول
- مکی، حین (۱۳۶۲)، **تاریخ بیست ساله**، تهران: نشر ناشر، جلد ششم

ملایی توانی، علیرضا (۱۳۹۳)، «کسروی از نقد دین‌ها تا داعیه‌ییا مبری»، پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، سال ۵، شماره ۱۹، بهار

منوچهری و همکاران (۱۳۸۷)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران، سمت

موحد، محمدعلی (۱۳۹۲)، «داستان زبان مادری»، بخارا، سال پانزدهم، شماره ۹۸، بهمن و اسفند

نوذری، حسینعلی (۱۳۸۷)، فلسفه تاریخ روش‌شناسی و تاریخ نگاری، تهران: طرح نو

هوشمند، حسین (۱۳۹۰)، «تأملی در هویت ملی و روش‌تفکری دینی»، سایت جرس، قابل دسترسی

در <http://www.rahesabz.net/story/38471>، تاریخ مراجعه ۱۳۹۵/۰۲/۵

Cambridge advanced Lerner, s dictionary (1980).

Focault, Michel (1994). The Archaeology of Knowledge, London: Routledge.

Larouss: Petit Dictionnaire Francais (1990). Paris: Larousse.

Marriam Webster's Colligiate Dictionary, 1989.

Oxford advanced learner's dictionary of current English (1984). 8 Th edition 2010.

Smith, Anthony D. (2003). Chosen Peoples. Oxford: Oxford University Press.